

# گفتگویا ہیئت

داوران ششہمین جشنوارہ  
فیلم کودکان ونوجوانان





ابراهیم فروزش داور ایرانی

س: با توجه به فیلمهایی که در جشنواره دیدید، موقعیت سینمای ایران را در مقایسه با سینمای دیگر کشورها چگونه ارزیابی می کنید؟

ج: فیلمهایی که در جشنواره دیدیم تحت عنوان «فیلمهای کودکان و نوجوانان»، به نمایش درآمد، پس نه این فیلمها آثار برتر سینمای کشورهای دیگر است و نه اینکه آنها را باید با تولیدات سینمای ایران که بسیاری از آنها خارج از چارچوب فیلمهای کودکان است مقایسه کرد، بنابراین اگر منظور شما سینمای کودکان است با توجه به فیلمهای ساخته شده در چند سال اخیر باید گفت که در این زمینه رشد کرده ایم، چه کمی و چه کیفی، بی دلیل نیست که در جشنواره ها و محافل بین المللی، سینمای ایران تأیید می شود. از آنجا که این فیلمها مسائل کودکان را در خود دارند، بخش سینمای کودک را تحت پوشش قرار می دهند، حال چه این فیلمها «درباره کودکان» باشند و یا «برای کودکان»؛ خلاصه آنکه باید در تمام زمینه ها برای کودکان فیلم داشته باشیم.

س: اشاره ای به رشد سینمای کودک در چند سال اخیر کردید، علتش را در چه می دانید؟

«ششمین جشنواره فیلم کودکان و نوجوانان» از ۱۳ تا ۲۰ آبان ماه سال جاری در اصفهان برگزار شد. این جشنواره که تا قبل از این دوره، در ایام دهه فجر و همراه با جشنواره فیلم فجر برگزار می شد، امسال برای نخستین بار، ششمین دور خود را به طور مستقل در اصفهان برگزار کرد. همین طور این جشنواره، شروع برگزاری خود را به یاد روز دانش آموز (۱۳ آبان ماه، سالگرد شهادت دانش آموزان در سال ۵۷) از این روز آغاز نمود.

چون گزارشهای این جشنواره در جراید و نشریات منتشر شده است، «فصلنامه سینمایی فارابی» تنها گفتگوهایی را که اختصاصاً با اعضای هیئت داوران این جشنواره انجام داده است برای این شماره خود در نظر گرفته است، که ملاحظه می فرمایید:

اصفهان





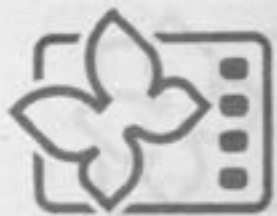
کون

جذاب؛ و بالاخره روند تکامل اجتماعی که ضرورتاً سینما را جانشین بسیاری از بازیها و سرگرمیهای قبلی کودکان کرده است. به یاد بیاوریم که بازیهای دوپا سه دهه قبل کودکان در کوچه پس کوچه‌ها چه بود و اکنون تلویزیون و برنامه‌هایش چگونه جای همه آنها را پر کرده است...

طبیعی است که عرضه نیز به سهم خود برای پاسخگویی به این نیاز چرخهای خود را به حرکت در آورده است. در این راستا عواملی از قبیل فروش خوب فیلمهای کودکان و تشویق و ترغیب بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری؛ ایجاد مراکز متعدد فیلمسازی برای کودکان از طرف ارگانهای دولتی؛ تربیت و حمایت از فیلمسازان جوان با تشکیل انجمنهای سینمای جوان، مدارس، دانشکده‌های سینمایی و نتیجتاً افزایش چشمگیر نیروهایی که به خدمت سینما در

ج: اصل عرضه و تقاضا در اینجا نیز حاکم است، دو طرف این معادله برای رشد، شرایط خاص خود را می‌طلبند. آنچه که تقاضا را بالا برده و منجر به تولید بیشتر شده به طور خلاصه عبارت است از: نیاز عمومی مردم برای دیدن فیلم به عنوان یک وسیله سرگرمی ساده و سالم و ارزان در اوقات فراغت؛ ارتقای سطح فرهنگ و شعور اجتماعی خانواده‌ها در برآوردن نیاز روحی کودکان خود با فراهم آوردن سرگرمیهای سازنده و فیلم؛ طبق گزارش یونیسف، ایران جوانترین کشور دنیا شناخته شده (با حدود بیست میلیون کودک و نوجوان)؛ کمبود اماکن و وسایل تفریحی برای کودکان؛ نقش مؤثر تلویزیون در ارائه برنامه‌های کودک و بویژه فیلم که کودکان را با فیلمهای خاص خود آشنای سازد؛ نقش مهم آموزشی و تربیتی فیلم در انتقال مفاهیم متعالی به کودک به عنوان یک وسیله بیانی قابل فهم و





استودیوهای عریض و طویل با امکانات بی شمار، فیلم خوب نمی سازد ولی اگر این عوامل در اختیار یک فیلمساز خوب و یک فیلمنامه خوب قرار بگیرد، نتیجه اش ایده آل خواهد بود.

برخوردار است. غالب فیلمهای تلویزیون و بسیاری از فیلمهای جشنواره های جهانی فیلمهای کودکان، از این نوع فیلمهاست که توسط کشورهای مختلف خریداری، دوبله و به نمایش گذاشته می شود. می ماند آن دسته از فیلمهایی که با ضوابط فرهنگی، اجتماعی، تربیتی و مذهبی ملتی جور در نمی آید و یا به عبارتی جنبه بدآموزی دارند، نمایش سکس، خشونت، مواد مخدر، دزدی، قتل و جنایت و امثال اینها با هیچ معیاری قابل سنجش نیست و با اصول تربیتی سازگاری ندارند. . . به یاد یک فیلم دانمارکی افتادم که سالها پیش برای شرکت در جشنواره جهانی فیلمهای کودکان به تهران فرستاده شده بود. این فیلم مربوط به نوجوانان بالای ۱۱، ۱۲ سال بود که به طور وحشتناکی به آنچه که اشاره شد پرداخته بود، بعداً معلوم شد که تهیه کننده فیلم یک بخش خصوصی است که شاید به دنبال بازار فروش، فیلم را به جشنواره فرستاده است؛ در هر حال در خود دانمارک هم باید چنین فیلمی زیر علامت X (مخصوص بزرگسالان) به نمایش در آمده باشد.

س: درباره فیلمهای کودکان بعضی مطرح می کنند که باید برای بچه ها لذت بخش باشد،

می آیند؛ برپایی جشنواره های داخلی فیلم؛ شرکت در جشنواره های خارجی و مطرح ساختن فیلمهای ایرانی و نهایتاً تشویق فیلمسازان و قضایایی از این دست باعث شده است که به یک رشد نسبی چه از نظر کیفی و چه از نظر کمی دست یابیم.

س: شما در جایی گفتید باید در تمام زمینه ها فیلم داشته باشیم، سؤال اینجاست که اولویت با کدام است فیلم «برای کودکان» یا «درباره کودکان»، آیا می توانیم چنین تقسیم بندی داشته باشیم؟

ج: به فیلمهایی که با قصد و آگاهی کامل به اینکه بینندگان اصلیشان کودکان خواهند بود و در انتخاب سوژه و نوع ساخت آنها تمام شرایط و ظرافت کار در نظر گرفته شده باشد، «فیلمهای کودکان» اطلاق می شود، و زمانی که صحبت از سینمای کودکان می کنیم طبیعی است که منظورمان این نوع فیلمهاست که با در نظر گرفتن کثرت مخاطبان خود نسبت به فیلمهای درباره کودکان و یا سایر فیلمها، از نظر تولید باید در اولویت باشد.

س: فیلمهایی که برای جوانان امریکایی یا اروپایی و به طور کلی غربی ساخته می شود، تا چه حد می تواند برای جوانان کشوری مثل هند یا ایران مورد استفاده قرار گیرد؟

ج: تا چه نوع فیلمی باشد، تعداد فیلمهایی که همه بچه های دنیا می توانند از آن به یک نسبت لذت ببرند کم نیست، این فیلمها دارای آنچنان محتوا و زبان مشترکی هستند که مرز بین بچه هندی و امریکایی و یا ایرانی و اروپایی را از بین می برند، چون موضوع فیلم از یک زبان بین المللی قابل درک و لمس برای هر بچه ای





به نظر شما آیا لذت بردن بچه‌ها می‌تواند معیاری کافی باشد؟

ج: نه، بستگی دارد که چی به خورد آنها بدهیم، کودکان برای دیدن فیلمها، مخاطبان فوق العاده خوبی هستند، بخصوص فیلمهای بد و این نوع فیلمها ممکن است در ضمیر آنها چنان نقش مخربی ایجاد کند که هیچ وقت موفق به پاک کردن آن نشویم، بچه خیلی خوشش می‌آید بنشینند و فیلم بزرگسالان را ببینند، فلان نوار ویدئویی ملودرام سانتی مانتال ممکن است خانواده‌ای را که جلوی تلویزیون نشسته‌اند تحت تأثیر قرار بدهد و بچه با دیدن همان فیلم به خاطر روح حساس و لطیفش زارزار گریه کند، چون او فکر می‌کند که واقعاً ماجرای فیلم دارد اتفاق می‌افتد. حال اگر در فیلمی از این حساسیت سوء استفاده بشود، نقشی غیر اصولی دارد. مثال دیگر اینکه بچه‌ها اصولاً از شیطنت لذت می‌برند، ولی آیا هر شیطنتی بی ضرر خواهد

بود؟ اگر در فیلمی فقط به صرف لذت بردن بیشتر به جنبه‌های خطرناک و بدآموز قضیه نیندیشیم، باید منتظر وقایعی ناهنجار در رفتار آینده او باشیم. بچه باید از فیلمی که می‌بیند لذت ببرد، اما این تغذیه باید در قالب ویتامینه کردن خوراکی باشد که به او می‌دهیم، آن هم در حد کفایت نه افراط.

س: در اینجا این سؤال پیش می‌آید که ویژگی فیلمهای کودکان چه می‌تواند باشد؟

ج: از آنجا که مخاطبان سنی این نوع فیلمها تقریباً از ۳ تا ۱۲ سالگی «کودک» و از ۱۲ تا ۱۶ سالگی «نوجوان» به حساب می‌آیند، نوع فیلمها نیز باید به تناسب سن آنها متفاوت باشد به همین دلیل است که در مورد کتابهای کودکان نیز





این گروه بندی شده است، این گروهها شامل گروههای سنی قبل از دبستان، سالهای آغاز دبستان، سالهای پایان دبستان، دوره راهنمایی و دبیرستان می شوند. البته این تقسیم بندی در نحوه گزینش فیلمنامه مشکلاتی را ایجاد می کند، چون خط کشیهای دقیقی را نمی توان اعمال داشت، ولی حتی الامکان باید سعی خود را کرد. به طور کلی فیلمهایی که برای این گروههای سنی ساخته می شود باید دارای این ویژگیها باشند:

از قصه ای روان و ساده و قابل فهم برخوردار باشند؛ شخصیتهای قصه بیشتر نمود عینی داشته باشند تا ذهنی و درونی؛ رفتار و ارتباطهای شخصیتهای قصه روشن و برای کودک قابل درک باشند؛ از به کار بردن دیالوگهای طولانی و پیچیده و کلمات مشکل پرهیز شود؛ تا حدی قصه ماجراجویی بوده، پایان خوش داشته باشد؛ قصه به نوعی باشد که حالت انتظار و شور و شوق پیگیری ماجرا را در کودک به وجود آورد؛ در قصه مسائل فرعی و حاشیه ای کمتر گنجانیده شود؛ از به کارگیری استعاره و کنایه و تمثیل خودداری شود؛ مفاهیمی که قصد انتقال آن را به کودک داریم ساده و روشن بوده، برای او قابل

درک باشد؛ توالی صحنه ها طولانی و کشدار نباشد و به عبارتی ریتم فیلم کند نباشد؛ تا حد امکان از طرح مسائل غم آلود اجتناب شود؛ از خشونت و عوامل ایجاد ترس، رعب و وحشت پرهیز شود؛ از عوامل تخیل و رؤیا در جهت تقویت و بارور کردن ذهن کودک کمک بگیرد؛ عامل فانتزی را در آن به کار گیرد؛ مسائل کمدی و شاد را چاشنی کند؛ با ایجاد صحنه های بدیع و تروکاژها بر جذابیت فیلم بیفزاید؛ از ترکیبی از رنگهای زنده و شاد استفاده کند؛ از افه های مبهم، سیاهی و تاریکی و شب کمتر استفاده شود؛ موسیقی متن در جهت کار و کودکانه باشد؛ به هیچ وجه مسائل بزرگسالان در آن نیاید؛ بار آموزشی و تربیتی داشته باشد؛ گول زنده نباشد و کودک بفهمد فیلم می بیند اگر چه خود را در قالب قهرمانهای قصه می پندارد و آخر آنکه فیلم، آینه تمام نمایی باشد از آنچه که دنیای او را می سازد. باید توجه داشت که مشخصات شمرده شده کامل نیست و بسیاری از مواردی که ذکر نشد بستگی به موضوع فیلمنامه ای که می نویسیم دارد، در نوشتن و ساختن این نوع





فیلمها بهتر است به بچه‌ها نزدیک شویم تا بیشتر از ارتباط آنها با یکدیگر و محیط اطرافشان سر در بیاوریم، گرچه گذشتن از دریچه ذهن کودک ناممکن است ولی این طریقه نگاه کردن حداقلی است که ما را در ساختن آثارشان کمک خواهد کرد. واقعاً کیست که بتواند ادعا کند که تمام عوالم کودکی خود را به یاد دارد، بنابراین باز هم آنچه که ما با نام فیلمهای کودکان می‌سازیم برخاسته از ذهنیت و باورهای ماست. برای پا گذاشتن به دنیای کودک باید کودک بود، اگر فرضاً کودکی، خودش فیلم خودش را می‌ساخت یقیناً چیز دیگری بود. یادمان نرود که ما بزرگسالان برای او تعیین تکلیف می‌کنیم و فیلم می‌سازیم و چاره‌ای هم جز این نیست!

در اینجا باید اشاره‌ای داشت به فیلمهایی که به صورت جدی و صرفاً با نیت آموزشی و تربیتی برای آنها می‌سازیم که موضوع این فیلمها باید طوری انتخاب شوند که بیشتر «برای کودکان» باشند تا «درباره کودکان» ولی تجربه نشان داده است که غالباً این تقسیم بندی به هم می‌خورد و فیلمهایی ساخته می‌شود که هر دو مخاطب را در بر می‌گیرد. کودک به نوبه خویش مسائل خود را در این فیلمها می‌بیند و بزرگسال نیز مسائل خود را؛ این قبیل فیلمها ارزشهای خود را دارند که

باید تولید شوند زیرا هر دو گروه به آن نیاز دارند و از آنجا که به صورت محوری وضعیت کودکان در آن بررسی می‌شود تحت عنوان کلی فیلمهای کودکان در می‌آیند.

نوع دیگری از فیلمها که ممکن است وجود کودک در آن بهانه‌ای بیش نباشد فیلمهایی است که خطاب به بزرگسالان ساخته می‌شود که در واقع بازتاب رفتار آنها با کودکان است. این فیلمها از حوزه تولید فیلمهای کودکان خارج و ارتباطی با آنها ندارد.

س: آیا کودکان یا کسانی که به دنیای کودکی نزدیکترند مثل نوجوانان، می‌توانند در امر فیلمسازی دخیل باشند؟ به این ترتیب که آموزش داده شوند که خودشان فیلم بسازند یا اینکه در بخشی از فیلمسازی برای کودکان دخیل باشند؟

ج: کانون پرورش فکری قبلاً این تجربه را کرده است. کانون با دایر کردن کلاسهای آموزش فیلمسازی برای کودکان و نوجوانان تعدادی از بچه‌های علاقه‌مند را آموزش داد به طوری که پس از آموزش توانستند فیلمهای ۸ میلیمتری خوب بسازند، آنها در یک گروه که کم و بیش شباهتهایی به کار حرفه‌ای داشت با هم همکاری می‌کردند و تمام مراحل کار را از

Handwritten signatures and markings at the bottom of the page.





شما شد، اشاره‌ای داشتید که من حس کردم چنین چیزی هست.

ج: در چنین تصمیم‌گیریهایی طبیعی است که اختلاف نظر وجود داشته باشد، ولی این اختلافها شاید با بحث و تبادل نظر و ارائه دلایل منطقی حل شود، که اگر نتیجه‌ای حاصل نشد داوران حق دارند متوسل به اکثریت آرا بشوند و رأی نهایی را صادر کنند. لازم است که یادآوری کنم در جریان کنفرانس مطبوعاتی یکی دوبار اشاره به مطلبی کردم آن هم درباره رأی‌گیری برای فیلمهای ایرانی شرکت کننده که فکر

فیلمنامه نویسی، کارگردانی، فیلمبرداری، مونتاز و غیره انجام می‌دادند، نتیجه کارشان رضایت بخش بود. بعضی از آنها که ادامه دادند از فیلمسازان خوب سینمای امروز ما هستند.

س: اصولاً به واقعتهای زندگی، عالمی که در آن غم و شادی هست، مسائل غم‌انگیز مثل فوت پدر و... چگونه می‌توان در فیلمهای کودکان و نوجوانان پرداخت؟ یا آیا اصلاً می‌توان به آنها پرداخت؟

ج: غم و شادی جزئی از زندگی است، اگر در ساختمان قصه چیزی باشد که ماناگیر از مطرح کردن آن باشیم باید با احتیاط، گذرا و زیرکانه به آن اشاره کنیم در غیر این صورت سوء استفاده عاطفی و مبالغه در نشان دادن قضایای این چنانی اثری منفی برجای می‌گذارد. خلاصه آنکه با نشاط فطری و شادیهای ذاتی کودکان بازی نکنیم و سریالی نسازیم که در سرتاسر آن به دنبال یک مادر مرده و پدر گمشده بگردیم!

س: شما تفاوت زیادی بین نظر خودتان و نظرات اعضای خارجی هیئت داوران داشتید، درست است؟

ج: چرا این سؤال را می‌کنید؟

س: چون در جشنواره در مصاحبه‌ای که با







می کنم خیلی درست بود. ببینید در ترکیب هیئت داوران تنها من ایرانی بودم بنابراین صحیحتر این بود که برای آنها مأخوذ به حیا نشوند (که نمی شدند) و برای رفع هرگونه محظوریت و احیاناً سوء تفاهم و اینکه دست آنها قبل از اظهار نظر من برای هرگونه تصمیمی باز باشد؛ رأیم را آخر از همه بدهم. البته این به آن معنا نیست که سکوت می کردم، من نهایت بحث خود را می کردم و رأی صادر می شد. در مورد فیلمهای خارجی به هیچ وجه روش این طور نبود، شکل رأی گیری روی ۳۲ فیلم شرکت کننده در سه مرحله انجام می گرفت یعنی به ترتیب هر دوروزیک بار روی فیلمهای به نمایش در آمده با دقت و وسواس بحث می شد. سپس بهترین آنها کاندیدا و بقیه کنار می رفت، این روش کار داوری را آسان می کرد، در رأی گیری نهایی روی فیلمهای انتخاب شده يك بحث طولانی که حدود ۶ ساعت طول کشید، انجام شد تا بالاخره فیلمهای برنده اعلام گردید.

س: در مورد کیفیت برگزاری جشنواره که برای اولین بار در اصفهان برگزار شد چه نظری دارید؟

ج: واقعاً امیدوار کننده است؛ نکته حائز اهمیت در این جشنواره جدا از برنامه ریزی و اجرای دقیق آنها، نمایش فیلمها در چند سینما، کنفرانسهای مطبوعاتی، پذیرایی از میهمانان داخلی و خارجی و سایر جلسات تشریفاتی که مشابه آن کم و بیش در جشنواره های بین المللی دیده می شود، فراهم آوردن گردهمایی اغلب دست اندرکاران سینمای ایران بخصوص سینمای کودک بود که طی جلسات گفت و شنود بین خود و منتقدان به بحث و تبادل نظر

پرداختند، آنهایی که توانسته بودند به اصفهان بیایند و از گرفتاریهای روزمره نجات پیدا کنند طی يك هفته، یا فیلم دیدند و یا تا نیمه های شب به بحث درباره سینما و فیلم و فیلمسازی پرداختند که نتیجه آن می تواند بسیار مفید باشد. این جشنواره در نوع خود بی نظیر و به یادماندنی بود. به امید تکرار چنین جشنواره هایی که همیشه سازنده خواهد بود.

س: الان فکر می کنید در ایران اگر به فیلمهای انیمیشن توجه بیشتری بشود بهتر است یا فیلمهای زنده؟ فکر نمی کنید در سالهای اخیر توجهات بیشتر به کارهای زنده بوده تا انیمیشن؟ بخصوص از طرف کانون؟

ج: فیلم برای ساخته شدن، بعد از تهیه کننده، سازنده می خواهد. در حال حاضر در سینمای کودکان در هر دو زمینه فیلمهای انیمیشن و زنده فقیریم؛ البته نه به اندازه سابق، در آن زمان برای ساختن فیلمهای زنده به استثنای یکی دو نفر، بیشتر، از فیلمسازان حرفه ای سینمای بزرگسالان دعوت می شد که اغلب بعد از یکی دو تجربه به جایگاه اول باز می گشتند، چون این نوع فیلمها به دلیل عدم نمایش عمومی شهرت و محبوبیت کار بزرگسالان را نداشت و سازنده اش را به اندازه کافی مطرح نمی کرد. در بخش فیلمهای انیمیشن وضع از این هم بدتر بود، چون بعد از تجربه های اولیه پیشگامان این نوع فیلمسازی که شایسته است از آنها یاد کنیم آقایان احمدیه، تجارتچی، اصائلو و کریمی، ساختن فیلم انیمیشن تقریباً متوقف شد تا بعدها دوباره در مرکز سینمایی کانون توسط تعدادی جوان علاقه مند از سر گرفته شد؛ اینها در واقع دوباره طرز ساختن فیلم انیمیشن را کشف کردند و ظرف





فروش زیاد، آیا درست است که ما خودمان را با آنها مقایسه کنیم یا می توانیم يك گونه دیگری را پیش ببریم که در عین حال فروش و استقبال هم داشته باشد؟

ج: این حرف با آنچه که من مطرح می کنم متفاوت است، من مطمئنم که اگر امکانات تکنیکی، طراحی صحنه، جلوه های ویژه، تروکاژها، وسایل فنی لازم و افرادی که در کنار کارگردان قرار می گیرند در سطح بالا باشند و بدون هراس از سرمایه گذاری در خدمت کارگردان در آیند؛ این هر دو فیلم بهتر ساخته می شد. ما نمی توانیم منکر شویم که استودیوهای عظیم فیلمسازی از چه امکاناتی برخوردارند، به تیتراژ فیلمهایشان نگاه کنید ببینید برای يك فیلم چند نفر متخصص و تکنیسین و مدیر هنری به کار گرفته شده اند. اشتباه نشود من نمی گویم که استودیوهای عربی و طویل با امکانات بی شمار فیلم خوب می سازد، من می گویم که اگر این عوامل در اختیار يك فیلمساز خوب و يك فیلمنامه خوب قرار بگیرد، نتیجه اش ایده آل خواهد بود.

۸-۹ سال تعدادی فیلم نقاشی متحرك ساختند، ولی متأسفانه به نسبت افزایش تعداد فیلمسازان زنده، رقم این سازندگان بالا نرفت و در حال حاضر عده قلیلی به این کار مشغولند که به هیچ وجه پاسخگوی نیاز رو به افزایش این نوع فیلمسازی نمی باشند. پس بنا بر این به تولید فیلم انیمیشن کم توجهی نشده بلکه به تربیت تعداد افراد بیشتری که می توانستند در این شغل باشند بی توجهی شده است. کانون نیز از این امر مستثنا نیست ولی در دوسه سال اخیر حرکت قابل توجهی را در تولید فیلمهای انیمیشن شروع کرده است. خوشبختانه با توجه به استقبال و فروش فیلمهای زنده مخصوص کودکان در سالهای اخیر و روی آوردن تعدادی کارگردان جوان به این سمت و اختصاص سینماهایی برای عرضه این نوع آثار، امید می رود که حداقل تولید فیلمهای زنده کودکان تکان لازم را بخورد. لازم به یادآوری است که در کنار تربیت فیلمسازان جوان باید از تربیت تکنیسینهای ورزیده نیز غافل نباشیم. نمایش فیلم داستان بی پایان را در اصفهان به یاد بیاورید که چه غوغایی کرد، این فیلم زنده به مدد جلوه های ویژه، تروکاژ و تکنیکهای پیشرفته سینمایی که همگی در ساختار فیلم مؤثر بود، جای خود را بین تماشاگران باز کرد. در آن کشورها هر چه فیلمساز بخواهد برایش آماده می کنند، خودسانسوری از ترس اینکه چگونه این صحنه ها را به وجود بیاورد معنا ندارد، کافی است که فقط فکر کند زیرا هر آنچه که بخواهد در اختیار اوست.

س: آیا با داشتن فیلمهایی مثل «گلنار» و «شهر موشها» که هم استقبال زیادی داشتند و هم







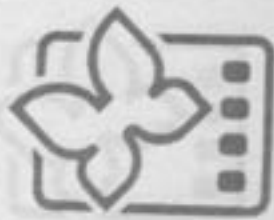
س: يك مقدار در مورد کار و سابقه فعالیت خودتان صحبت کنید.

ج: من از هلند می آیم. کشوری بسیار کوچک در اروپای غربی که برای پیدا کردن آن روی نقشه باید عینک زد. زبان مردم کشور ما زبان Dutch است و همین مسئله مقداری برایمان در هنگام تولید فیلم، ایجاد اشکال می کند. جمعیت کشور ما حدود ۱۴ میلیون نفر است و تنها کشوری است که به زبان هلندی صحبت می کند. تعداد سینماهای ما زیاد نیست و بسیاری از صاحبان آنها هم، خارجی بویژه امریکایی هستند. ۸۵٪ فیلمهایی هم که در هلند نشان داده می شوند، فیلمهای خارجی هستند. با این حال، با کمک دولت، سالانه ۱۰-۷ فیلم بلند داستانی تولید می کنیم و ۲۰-۱۵ فیلم کوتاه. بیست سال پیش من از مدرسه فیلمسازی فارغ التحصیل شدم و بلافاصله شروع به فیلم ساختن کردم و از همان ابتدا هم تصمیم گرفتم برای بچه ها فیلم بسازم. چون تهیه کننده خوب گیر نیآوردم لذا خودم تهیه کننده فیلمهای خودم شدم. در آن موقع هیچ کس آن قدر دیوانه نبود که پولش را روی فیلمهای کودکان سرمایه گذاری کند. زیرا آنها انتظار نداشتند که

پولی از این راه به دست آید و یا اینکه کسی به دیدن این فیلمها بیاید. اما دو فیلم اولی که من ساختم موفقیت آمیز بود، و چون تهیه کننده و نویسنده فیلمنامه و کارگردان هم خودم بودم، تشویق شدم و کارم را ادامه دادم. اگر چه در ابتدا بسیار مشکل بود که بتوانم از وجود هنرپیشگان سرشناس در فیلمهای کودکان استفاده کنم زیرا آنها می گفتند که این فیلمها مهم نیستند چون فقط برای کودکان هستند، اما اکنون وضعیت بهتر شده و مشهورترین هنرپیشگان هلند در فیلمهای کودکان شرکت می کنند. من هدفم اکنون این است که فیلمهایی بسازم که در آن، به صورت بچگانه به ساخت فیلم و به تماشاگر آن نگاه نشود، یعنی تو سر فیلم نزنند و به چشم تحقیر آمیز به آن نگاه نکنند بلکه تصور کنند که برای بزرگسالان فیلم می سازند و همان طور که با مسائل فیلمهای بزرگسالان برخورد می کنند همان طور هم با این فیلمها برخورد کنند. من خودم تاکنون ۸ فیلم داستانی بلند ساخته ام که آخرینش امسال در جشنواره فجر تهران نشان داده شد به نام سرعت صفر که در آن خانواده ها به عنوان سرگرمی موشک می سازند. چند سریال تلویزیونی هم ساخته ام: یکی در ۲۴ قسمت نیم ساعته به نام مجله بچه ها؛ یکی ۱۳ قسمتی که تنها فیلمی بود که بر اساس داستان يك كتاب معروف هلندی تهیه شد؛ و يك سریال ۲۱ قسمتی که الآن جمعه شبها در تلویزیون هلند دارند نشان می دهند. این را هم بگویم که من هیچ گاه انیمیشن نساخته ام و تمام این کارهایم با هنرپیشه ها انجام شده و بیشتر هم بچه ها هنرپیشه آنها بوده اند.

س: اشاره ای کردید به اینکه در فیلمهایتان از





همیشه فیلمی که برای بچه‌ها خوب باشد، برای بزرگترها هم خوب است، اما برعکس آن صدق نمی‌کند.

فیلمها دارند، جلوه‌های ویژه‌شان است. در این زمینه از نظر پولی، کسی نمی‌تواند با امریکاییها رقابت کند. خود ما، حداکثر پولی که می‌توانیم برای جلوه‌های ویژه در فیلمهایمان استفاده کنیم، ۲۰٪ آن پولی است که الان امریکاییها دارند مصرف می‌کنند. به این دلیل، من تصمیم گرفتم که رقابت نکنم، اما فیلمی که می‌سازم فیلمی باشد که جوانان بیایند به دیدنش، نه به عنوان جایگزین فیلمهای امریکایی بلکه در کنار آن فیلمها. زیرا رقابت با آنها خیلی مشکل است و نمی‌توانیم با آنها رقابت کنیم. و نظریه اینکه فیلم یک وسیله ارتباط فکری است، می‌توانیم از آن برای این مسئله استفاده کنیم که به بچه‌هایمان پیام‌آموزیم که خودمان دارای یک فرهنگ غنی سنتی هستیم و این امری مستقل و جدایی‌ناپذیر است.

س: با توجه به اینکه تخصصتان در زمینه فیلمهای کودکان است، فیلمهای جشنواره‌ها را چگونه دیدید؟

ج: به طور کلی می‌توان فیلمها را به دو قسمت تقسیم کرد: یکی، فیلمهایی که برای بچه‌های کوچکتر ساخته می‌شود و دیگری فیلمهایی که در رابطه با مسائل دنیای بچه‌ها ساخته شده است. من به عنوان یک فیلمساز فکر می‌کنم که هیچ وقت نباید به چشم تحقیر آمیز به بچه نگاه کرد و نباید در فیلمها به بچه آموخت که

بازیگران حرفه‌ای استفاده کردید و خیلی با استقبال روبرو شد. حالا، برای فیلمهای کودکان و نوجوانان، ترجیح می‌دهید که خود بچه‌ها بازی کنند یا اینکه بزرگترها بازی کنند و اگر در فیلمی بچه‌ای وجود نداشته باشد، باز هم می‌تواند مورد استقبال بچه‌ها واقع شود و با آن ارتباط برقرار کنند؟ به عبارت دیگر آیا لزومی دارد که حتماً در فیلمها بچه‌ای حضور داشته باشد؟

ج: البته صد در صد لازم نیست که حتماً بچه در فیلم حضور داشته باشد. اما مسئله این است که وقتی بچه در فیلم بازی می‌کند، آن بچه‌ای که می‌نشیند فیلم را می‌بیند، یک احساس هم هویتی میان خودش و آن بچه‌ای که در فیلم هست می‌کند. یعنی احساس آشنایی و یکپارچگی با آن می‌کند. همذات پنداری.

س: گفتید ۸۵٪ فیلمهایی که در کشورتان نمایش داده می‌شود، از کشورهای دیگر است. فیلمهای چه کشورهایی نمایش داده می‌شود؟

ج: ۶۰٪ آن امریکایی است و این یک مشکل واقعی است که با آن روبرو هستیم.

س: چرا یک مشکل است؟

ج: یکی، آن طرز تفکری که در این فیلمها حاکم است و آن تجاری بودنشان می‌باشد. همیشه فیلمها به یک نحو است یعنی اول فیلم، خوب و بد مشخص هستند و در آخر فیلم، خوب می‌زند و آن بد را می‌کشد و داستان تمام می‌شود. دومین مشکلی که در اینجا هست اینکه جوانها بیشتر مایل هستند بروند و فیلمهای ماجراجویی و خشونت آمیز را ببینند و جذب آن فیلمها می‌شوند. از جمله خصوصیات آنی که این





وینسان ون

کنند؟

ج: بله، منظورم فیلمی مثل آن است. همیشه فیلمی که برای بچه‌ها خوب باشد، برای بزرگترها هم خوب است. اما برعکس آن صدق نمی‌کند.

س: از فیلم‌هایی که در جشنواره با مخاطبانشان جدی برخورد کرده بودند، مثالی بزنید.

ج: فیلم مانوئل از کانادا که موضوعش در ارتباط با مشکلات جدی بچه‌ها بود. در آن فیلم، خشونت و بی‌رحمی نشان داده شد ولی نه به عنوان تفریح و سرگرمی. این فیلم، یک کاراکتر بسیار قوی را در شرایط بسیار سخت زندگی نشان می‌داد و در واقع اراده آن شخص را برای بقا، تصویر می‌کرد.

س: در فیلم‌های مخصوص کودکان و نوجوانان پیام و ساختار هر کدام چه جایگاهی دارد

چه چیز خوب است و چه چیز بد. نباید همچون پدر یا عموی بزرگتر که مدام می‌خواهد بچه را راهنمایی کند با بچه برخورد کرد. نباید فیلم، این طوری باشد. خوشبختانه من در این جشنواره تعدادی فیلم‌های خوب دیدم که به‌طور جدی با تماشاگرانشان برخورد کرده بودند.

همیشه یک خطر وجود دارد و آن اینکه فیلم برای بچه‌ها ساخته نشده باشد، اگر چه کاراکتر اصلی و نقش اصلی را یک بچه داشته باشد.

س: این را یک خطر می‌دانید؟

ج: به نظر من خوب نیست. نمی‌توانم بگویم که این مسئله برای بچه‌ها بد است، ولی شما می‌توانید همیشه فیلم‌هایی بسازید که در رابطه با مسائل خود بچه‌هاست نه اینکه فیلم برای بزرگسالان باشد ولی کاراکتر اصلی آن یک بچه باشد.

س: مثل فیلم ونگذارید به بادبادکها شلیک





و ارتباطشان با یکدیگر چگونه است؟  
ج: همان طور که قبلاً گفتم، این يك وسیله برقراری ارتباط فکری است و بدین دلیل باعث تأسف است که آدم فقط به عنوان سرگرمی از آن استفاده کند. ما بهتر است که به بچه‌ها چیزی بیش از سرگرمی بدهیم. اما این هم هست که اگر بچه بفهمد که این فیلمی است که باید برود و کلی چیز از آن یاد بگیرد، پایش را در آن سینما نخواهد گذاشت. در رابطه با ساختن فیلمهایی برای بچه‌ها، اولین کار داشتن يك داستان خیلی خوب است. دومین کار این است که در داستان، تکه‌هایی از حقایق زندگی گنجانیده شود مثل مسئله تبعیض و یا امثالهم که بچه می خواهد آن را ببیند و شما ممکن است وسط آن تکه بیندازید. به عنوان يك فیلمساز باید احساس مسئولیت بسیار قوی در قبال بچه داشته باشید که چه می خواهید بگویید و چگونه این حرف را می خواهید به بچه بزنید. نمی توانیم که چشمهای بچه را ببندیم و به او بگوییم که خشونت وجود ندارد. اما اگر در فیلم از خشونت استفاده می کنید نباید به عنوان سرگرمی باشد بلکه به عنوان يك واقعیت زندگی باید استفاده شود. من در فیلمهایم از خشونت استفاده کرده‌ام منتهی نه برای سرگرمی، بلکه برای اینکه به بچه نشان دهم که پیامدهای خشونت چه می تواند باشد. من که از مثلاً خشونت و تجاوز - البته به مفهوم تعدی، نه آن تجاوز مصطلح - استفاده کرده‌ام برای این است که نشان دهم اصلاً واقعیت چی هست، چه اتفاقی می افتد و چه پیامدی دارد. من مضروب را در فیلمهایم نشان داده‌ام تا بگویم که چه اتفاقی برای آن کسی که موردتهاجم و تجاوز قرار گرفته، افتاده است. من

در کشور من کمیته‌ای هست که در آن بر اساس کیفیت فیلم کمک می کنند. آنها به سناریو و آنچه که در رابطه با فیلمسازی است، کار دارند.

این حالتها را نشان داده‌ام. اول می آیم شخصی را که قرار است موردتهاجم قرار گیرد می شناسانمش بعد او را در فیلم موردتهاجم و تعدی قرار می دهم. اینجا دیگر تعدی کننده قهرمانی خودش را از دست می دهد و به عنوان مثلاً يك قاتل و جانی در فیلم معرفی می شود زیرا مثلاً آدم خوب رازده و کشته است.

س: اشاره به فرهنگ سستی کردید و اینکه باید به بچه‌ها آموخت که خودشان فرهنگی دارند. آیا این فقط ایده شماست یا دولت و بقیه در این زمینه کمک و اقدام هم می کنند؟

ج: خوشبختانه تمامی فیلمسازان هلندی از کمکهای مالی دولت استفاده می کنند.

س: در جهت اثبات این قضیه؟

ج: نه، به طور کلی.

س: اما منظور من فقط در ارتباط با فرهنگ سستی است.

ج: به آنجا هم می رسیم. به طور کلی این مسئله به این صورت که شما می گوید مطرح نیست. مسئله‌ای که مطرح است این است که به طور کلی آنها را کمک می کنند. بنابراین اگر من بخواهم يك فیلمی بسازم که در رابطه با ارزشها و معیارهای فرهنگی سستی باستانی



خودمان باشد، طبیعی است که دولت به من کمک می کند.

س: بالاخره دولت همفکر شماست یا اینکه فرهنگ امریکایی را ترجیح می دهد؟

ج: نه، فرهنگ امریکایی را ترجیح نمی دهند، آنها همفکر من هستند. اما یک کمیته ای هست که در آن بر اساس کیفیت فیلم به آدم پول می دهند و کمک می کنند. آنها به سناریو و آنچه که در رابطه با فیلمسازی است، کار دارند و به این کاری ندارند که در رابطه با چه موضوعی بیشتر کار می شود. بلکه بیشتر به کیفیت فیلم توجه دارند. حالا اگر من بخواهم یک فیلم فرهنگی هم بسازم در رابطه با فرهنگ سنتی باستانی خودمان، اگر کیفیت فیلمنامه ام خوب باشد، کمک می کنند. اما نه صرفاً به خاطر آنکه آن مسئله است...

س: چون فرهنگی است؟

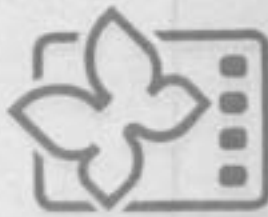
ج: بله، چون فرهنگی است. به نظر من فیلم یک زبان عمومی است که به ماورای مرزها می رود و می تواند افق دید بچه را بازتر کند. به همین دلیل هست که من خوشحالم از اینکه ما، کلی فیلم از کشورهای دیگر در کشورمان داریم. به عنوان مثال سال گذشته دو فیلم ماهی و دونه از ایران در کشور ما نشان داده شد. به عقیده من، مهم است که بچه ها بدانند در فرهنگها و کشورهای دیگر بچه ها چگونه زندگی می کنند. من، یک فیلم در مورد طلاق ساختم که در آن نشان دادم، یک بچه ای از اینکه امکان دارد پدر و مادرش از هم طلاق بگیرند فوق العاده در هراس است. الان چیزی حدود ۴۰٪ از دواجها در هلند منجر به طلاق می شود. در این حالت بچه ها همگی فکر می کنند که تنها هستند و در حالتهای

خاص روحی، و در آن اشتیاقی که نسبت به مسائل مختلف دارند احساس تنهایی می کنند. در اینجاست که با نشان دادن این فیلم، آنها می بینند که نه، این فقط مشکل آنها نیست بلکه مشکل بچه های دیگری هم هست که در سنین خود اینها قرار دارند، لذا احساس همدردی دارند. در فیلم سفر جادویی هم ما همین را دیدیم که پدر، مرتب به بچه سیلی و کتک می زد. این مشکلی است که احتمالاً بسیاری از بچه های دیگر ایرانی که کتک هم می خورند، می فهمند و احساس می کنند که فقط مشکل آنها نیست. این فیلم ایرانی ثابت می کند که شما مجبور نیستید وقتی در رابطه با مشکل بچه ها دارید فیلم می سازید، آن را به صورت غم انگیز بسازید بلکه می توانید به صورت خنده دار هم آن را بسازید. در عین حالی که مشکل بچه ها و آنچه که در جامعه وجود دارد را مطرح و از آن انتقاد می کنید.

س: شما معتقدید که فیلم زبان جهانی است و بچه ها باید فرهنگهای دیگر را بشناسند. این سؤال پیش می آید که با توجه به روند غالب شدن فرهنگ امریکایی در اکثر کشورها، برای این شناخت چه قیمتی باید پرداخت؟ آیا به قیمت از بین رفتن فرهنگ خودشان، باید گذاشت این فیلمها و فرهنگ امریکایی بیاید و غلبه پیدا کند و نگذارد حتی فرهنگ خودشان تثبیت شود؟ چون از طرف دیگر گفتید که بچه ها باید از فرهنگهای دیگر هم مطلع شوند و به این دلیل نباید مانع نمایش فیلمهای امریکایی شد...

ج: از نظر کمی بله، درست است، اینها دارند می آیند. ما از نظر کمی نمی توانیم با

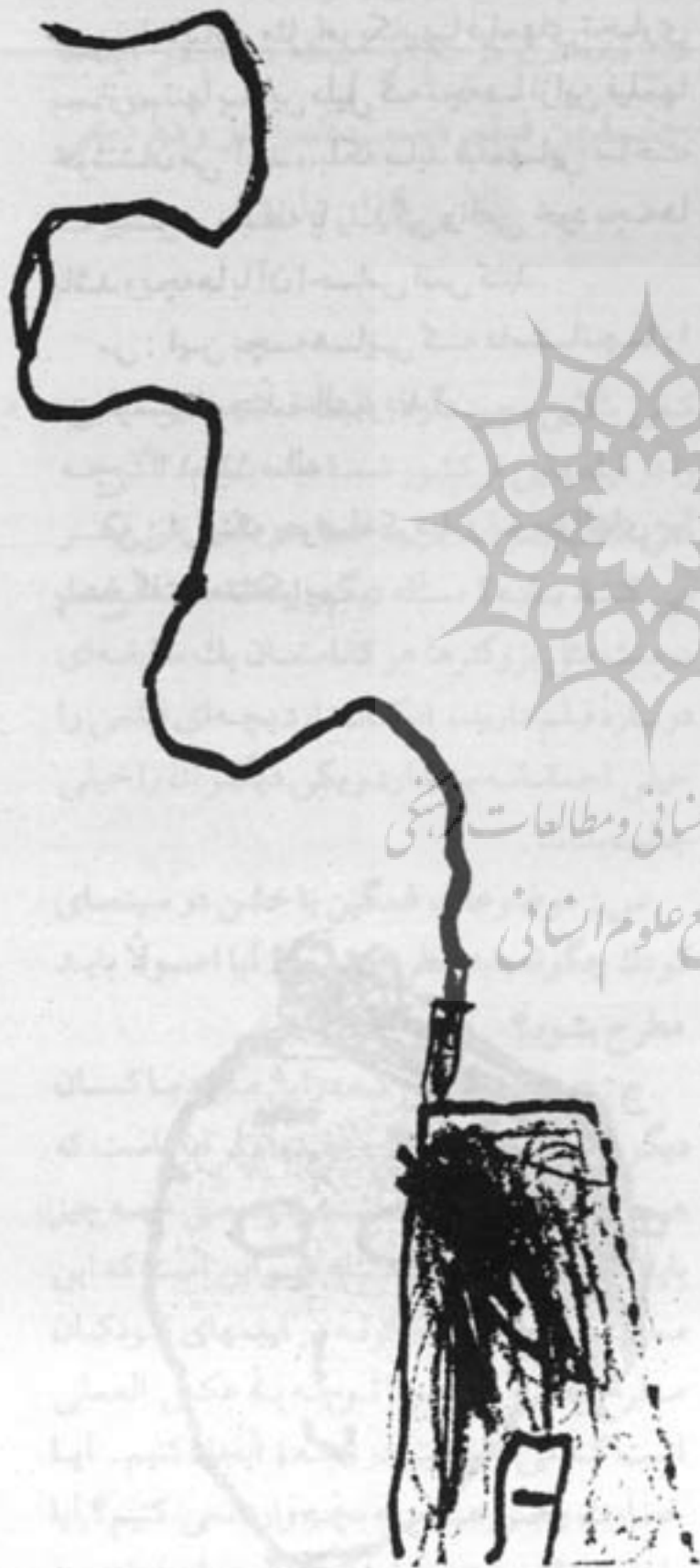




همیشه يك خطر وجود دارد و آن اينكه فيلم براي بچه ها ساخته نشده باشد، اگر چه كاراكثر اصلي و نقش اصلي را يك بچه داشته باشد.

آنها رقابت كنيم. جايي كه مي توانيم با آنها رقابت كنيم، كيفيت است.

وقتي بچه ها مي نشينند و كتابهاي كاريكاتوري مي خوانند، از اول تا آخر آن فقط مي خندند و مي روند جلو، بدون اينكه چيزي در يادشان بماند. اما وقتي يك كتاب شيرين، جالب و خوب را مي خوانند، هميشه آن را به ياد مي آورند. بنابر اين اگر در فيلمهايمان - كه اگر چه كم هم هستند - كيفيت را رعايت كنيم، مي توانيم با آنها رقابت كنيم. به خاطر اينكه آنها به جنبه تجاري بيشتر از جنبه كيفي توجه مي كنند. يك مثالي بزمن: آخرين سريال تلويزيوني كه من ساختم، داستانهايش را بچه ها نوشتند. من از طريق آگهي تلويزيوني از بچه ها خواستم داستاني در دو صفحه بنويسند و براي من بفرستند. مادر سه فصل اين كار را كرديم. در فصل اول هزاران نامه براي ما آمد. بيش از ۵۰٪ داستانهايي كه مي رسيد، ما جرايي بود. اما من از بقيه آنها استفاده كردم. مثلاً داستاني بود كه بچه اي به همسايه معلولش كمك مي كرد. اين در رابطه با زندگي خود بچه ها بود و آنها نوشته بودند. من در ابتدا ۷ داستان را انتخاب كردم. آنگاه با گروه فيلمسازي رفتيم به ديدن بچه هايي كه اين داستان ها را نوشته بودند. با آنها صحبت مفصلي كرديم. بعد از صحبت با اينها يك خلاصه داستان نوشتيم و براي آنها فرستاديم تا تأييد كنند. و آنها بعد از تأييد، براي ما پس فرستادند. ما هم شروع به ساخت اين فيلمها کرده و هفت فيلم با مدت زمان هر کدام ۲۵ دقيقه توليد كرديم. بعد از نمايش اين فيلمها، دوباره درخواست داستان كرديم. اينجا بود كه متوجه شديم آن داستانهايي كه



علوم انسانی و مطالعات اجتماعی  
جامع علوم انسانی





بچه‌ها می نوشتند و می فرستادند با دفعه قبل فرق داشت و سبک‌هایش تغییر کرده بود. داستانهای ساده و جنایی و امثالهم ناپدید شده بود و افکارشان در داستانها متوجه مسائل ساده زندگی خودشان و آن هیجانانگیز و حوادث و ماجراهای ساده زندگی کودکان خودشان شده بود به نظر من، نباید بیاییم مثل امریکاییها فیلمهای تجاری بسازیم تنها به این دلیل که بچه‌ها از این فیلمها خوششان می آید، بلکه باید فیلمهایی ساخت که بیشتر در رابطه با زندگی واقعی خود بچه‌ها باشد و بچه‌ها با آن احساس انس کنند.

س: معیار داوری درباره فیلمها از سوی هیئت داوران چیست؟ و قضاوت آنها بر چه مبنایی است؟

س: این بچه‌هایی که داستانها را می فرستادند چند ساله بودند؟

ج: ما تمامی فیلمها را به دو گروه کلی تقسیم کردیم. فیلمهایی که به خاطر تماشاگر کودک درست شده و مخاطبش کودکان هستند، و گروه دیگر فیلمهایی که هنرپیشه اصلیش کودک است ولی امکان دارد مخاطبش کودک نباشد. از نظر من، گروه اول که مخاطبشان بچه‌هاست، مهم می باشد. سؤال مهم در اینجا این است که آیا می توانیم درباره فیلمها آن طور که بچه‌ها در موردشان قضاوت می کنند، قضاوت کنیم؟ به عبارت دیگر، آیا فیلمی که فکر می کنیم برای بچه‌ها خوب است، واقعاً برای بچه‌ها خوب است؟ این، سؤالی است که نمی توانیم بگوییم قطعاً پاسخ آن داده می شود.

ج: ۱۳-۱۴ ساله .  
س: از اینکه حوصله کردید و به سؤالی ما پاسخ گفتید متشکریم .

اما چند نکته هست که باید در نظر بگیریم. از جمله اینکه، فیلم باید به رشد رؤیاهای و امیال و آرزوهای بچه کمک کند. آرزوهایی که اینجا در مورد آن صحبت می شوند نه آن امیال و آرزوهایی است که خیلی جادویی باشد، بلکه آنهایی است که با حقایق زندگی روزمره در رابطه است. من فکر می کنم بچه‌ها نیازمند تخیل،







با توجه به آن تعداد فیلمهایی که من دیدم، در مقام مقایسه با فیلمهایی که برای بزرگسالان ساخته می شود، فیلمهای کودکان در سطح جهان از کیفیت پایین تری برخوردار است. من تعجب کردم از اینکه دیدم در اینجا چندین فیلم هست که در رده کیفی بالایی قرار دارد.

تصور و آرزو کردن هستند، تا بتوانند در این جامعه زندگی کنند و مثلاً بعضی از چیزهای جامعه را عوض کنند یا برعکس، به آن دست نزنند و همان طور بگذارند. به طور کلی در رابطه با نیازهای کودکان، بتوانند دارای قدرت تخیل و تصور باشند. با توجه به این هدف، بسیاری از فیلمها بیش از اندازه بچگانه هستند. زیرا من فکر می کنم بچه ها خیلی وقتها زنگتر از آن چیزی هستند که ما فکر می کنیم. منظور من این است که ما در رابطه با آنها باید برخوردمان مثل جوانان بالغ باشد نه بچه های خردسال.

س: وضعیت کلی سینمای کودک در دنیا را چگونه می بینید؟

کیفی بالایی وجود دارد. البته قبلاً هم این کیفیت را در فیلمهایی از کشور شما دیده بودم. اگر چه نمی دانم که آیا بچه ها هم مثل من فکر می کنند یا نه؟ مسئله دیگر اینکه بچه ها هم درست مثل بزرگترها هر کدامشان يك سلیقه ای درباره فیلم دارند، امکان دارد بچه ای فیلمی را خیلی احمقانه بپندارد و یکی دیگر آن را خیلی جالب بداند.

ج: اول باید به شما بگویم که من متخصص فیلمهای بچه ها نیستم. چون من قسمت اعظم فیلمهایی را که در دنیا برای بچه ها ساخته می شود، نمی بینم و در همه جشنواره های فیلمهای کودکان شرکت نمی کنم. بنابراین، آن معیاری که من برایش دارم احتمالاً چندان معیار دقیقی نیست.

س: موضوعات غمگین یا خشن در سینمای کودک چگونه باید مطرح بشود؟ آیا اصولاً باید مطرح بشود؟

س: در پاسخ قبلی اشاره کردید به اینکه، در فیلمهای کودکان حقایق روزمره زندگی را باید مطرح کرد. آیا فیلمی با این ویژگی در این جشنواره می توانید مثال بزنید؟

ج: در صحبتهایی که در این مورد با کسان دیگر داشتم، به طور کلی عقیده ام بر این است که هیچ چیز نباید بیرون گذاشته شود یعنی همه چیز باید مطرح شود. ولی مسئله مهم این است که این مسائل حساس را چگونه در فیلمهای کودکان مطرح کنیم و این هم با توجه به عکس العملی است که می خواهیم در بچه، ایجاد کنیم. آیا خسارت و ضررهایی به بچه وارد نمی کنیم؟ آیا ما داریم يك سری معیارها و مطالب را در مغز بچه

ج: به عنوان مثال، فیلم سفر جادویی. برگردیم به آن سؤال قبلی شما، با توجه به آن تعداد فیلمهایی که من دیدم، در مقام مقایسه با فیلمهایی که برای بزرگسالان ساخته می شود، فیلمهای کودکان در سطح جهان از کیفیت پایین تری برخوردار است. نه اینکه به خاطر دعوت شدنم به اینجا، این حرف را می زنم ولی تعجب کردم از اینکه دیدم چندین فیلم در رده





سفر چاندی

حقایق زندگی است و چون حقایق زندگی است باید در فیلمها مطرح بشوند. اما می دانیم که بچه‌ها می توانند فکر کنند، به همین دلیل باید طوری مطرح بکنیم که آنها درباره اش فکر کنند و در موردش احساس داشته باشند، و آنها را فقط به عنوان یک چیز مهم در فیلمهایمان مطرح نکنیم، چون بچه‌ها خیلی باهوشتر از آن چیزی هستند که ما فکر می کنیم؛ اما ما این مسئله را جدی نمی گیریم. ما باید فیلمهایی بسازیم که یک وسعت بیشتری در زمینه فکری کودکان در آن وجود داشته باشد و بتوانیم بچه‌ها را در رابطه با قدرت تفکرشان جدی بگیریم. چون ما فکر بچه‌ها را محدود می دانیم، به این خاطر فیلمهای فوق العاده بچگانه‌ای می سازیم. ولی اگر باور کنیم که بچه‌ها می توانند فکر کنند و می توانند تجزیه و تحلیل کنند، وسعت کارمان خیلی گسترده‌تر خواهد شد.

از بین می بریم؟ اینها مسائلی است که باید به آن توجه کرد. قسمت دیگر سؤال شما که چه جور باید نشان داد، سؤال سختی است. مسئله مهم این است که خشونت یا فرضاً مسائل غم انگیز - بالاخص خشونت که من اصرار دارم - را می شود نه به عنوان یک بازیچه و نه به عنوان شوخی و جادو بلکه به صورت یک حقیقت به بچه آموزش بدهند بنابراین اگر می خواهیم خشونت یا صحنه‌های غم انگیز را نشان دهیم باید این عمل به صورتی باشد که در بچه ایجاد بدآموزی نکند. البته من نمی خواهم اسم ببرم ولی در جشنواره، فیلمهایی بودند که دارای خشونت بیجا بودند و هیچ دلیلی و فکری پشت آن خشونت وجود نداشت، صرفاً یک کار خشن می کردند بدون اینکه چیزی در آن باشد. ما با به تصویر کشیدن غم و یا خشونت و این قبیل چیزها در فیلمها، باید به بچه‌ها نشان دهیم که این،





من فکر می کنم خیلی وقتها بچه ها خیلی زرنگتر از آن چیزی هستند که ما فکر می کنیم.

دقیقه ای تا دوسه ساعته، را دارند و شما می توانید از آنها دقیقاً سؤال کنید. در انتها، من از شما می پرسم که خیلی مختصر و کوتاه بگویید که در مورد افکار من چه فکری کنید؟

س: افکار قابل تأملی بود و خوشحالیم که با شما به گفتگو پرداختیم.



س: همان طور که می دانید فرهنگها مختلف هستند. آیا دنیای کودکان هم مانند فرهنگها با هم تفاوت دارد یا نه؟ و در نتیجه آیا فیلمهای کودکان هم می توانند با یکدیگر متفاوت باشند؟

ج: تا حدی این کار را از نظر فرهنگی دارند انجام می دهند، یعنی تفاوتهای فرهنگی را نشان می دهند و باید این تفاوتهای فرهنگی را نیز در سینما نشان داد. هنر مثل زبان نیست بلکه هنر این خاصیت را دارد که اگر چه دارای زمینه بسیار قوی فرهنگی خاص خودش است ولی فرهنگهای کاملاً متفاوت هم می توانند آن را کاملاً درک کنند و برایش ارزش قائل شوند. همین، در مورد بچه ها هم صدق می کند. بنابراین این يك فیلم قوی و خوب از نظر من این است که آن غنی بودن فرهنگی را به صورت قوی نشان بدهد.

س: آیا فیلمهایی که در امریکا و اروپا با ویژگیهای فرهنگی خاص آنها ساخته می شود می تواند برای بچه های فرهنگهای دیگر مثل ایران یا هند قابل ارائه باشد؟

ج: به طور کلی بله. ولی ما فیلم به فیلم باید در موردش قضاوت کنیم. زیرا ممکن است فیلمی، ایرانی باشد، اما ایرانی خوب و یا ایرانی بد باشد. يك فیلم امریکایی می تواند خوب باشد و می تواند بد باشد. ولی به طور کلی می توان گفت می تواند مفید باشد.

س: در مورد آمار تولیدات فیلمهای کودکان در کشورتان (سوئیس) صحبت کنید.

ج: من آمار دقیقی ندارم. ولی يك جشنواره ای هست که در آن، آمار سالانه تمام فیلمهایی که در سوئیس ساخته می شوند از يك





س: به طور کلی وضعیت فیلمهای کودکان و نوجوانان را چگونه ارزیابی می کنید؟

ج: سؤال سختی است. تمام تولیدات دنیا را که من نمی دانم. اما يك سری فیلمهای ایرانی در اینجا دیدم که قبلاً در چک واسلواکی و جاهای دیگر ندیده بودم. بنابراین فقط در مورد فیلمهایی که در چک واسلواکی یاد در جشنواره های دیگر در جهان دیده ام، می توانم صحبت کنم.

همان طور که می دانید ما قبلاً يك تولید کننده قدرتمند فیلمهای بلند برای بچه ها در سطح جهانی بودیم. فیلمهایی که در چک واسلواکی تولید می شود بیشتر فانتزی و تخیلی است. فانتزی از دید من یعنی تخیلی و همین طور افسانه های علمی. اما فیلمهایی که من در جشنواره اصفهان دیدم، بعضی خیلی خوب بودند و بعضی هم ضعیف. مثلاً ما در اینجا فیلمی را دیدیم که از کج فکری کارگردان آن حکایت می کرد، فیلم روسی چپ و راست دشمن می گریزد. این فیلم از سه قسمت تشکیل می شد: يك قسمت به قول معروف هجویات سیاسی بود. قسمت دوم، قصه های فولکلور روسی و قسمت سوم هم علمی -

تخیلی.

س: چرا الان کشورتان تولید کننده بزرگی در رابطه با فیلم کودکان نیست؟

ج: در چک واسلواکی در زمان رژیم کمونیستی، سانسور بسیار شدیدی بر سینما حاکم بود، برای همین، فیلمهایی که برای بزرگسالان ساخته می شد طبعاً به خاطر همین سانسور شدید بسیار ضعیف بودند و نمی توانستند در آن، حرفشان را بزنند. بنابراین تمام قدرت و تمرکز سینماگران چک واسلواکی به روی فیلمهای بچه ها متمرکز شد و به نسبت دویه يك، فیلم ساخته می شد، دو فیلم برای بچه ها و يك فیلم برای بزرگسالان. آنها مطالب و حرفهای سیاسی خود را در واقع در قالب فیلمهای کودکان می زدند. به این دلیل چک واسلواکی در آن موقع خیلی قوی شده بود.

س: در واقع آن زمان سینمای کودکان نبود که رشد کرده بود بلکه سینمای سیاسی بود که به زبان کودکان بیان می شد.

ج: نه، به آن صورتی که شما فکر می کنید، نبود. مثل فیلمهای خانوادگی بود. تمام برنامه های بچه ها در آن مطرح بود منتهی يك نکات و اشاراتی مثل متلکهایی که وسط کار گفته می شد هم بود که بزرگسالان آنها را می گرفتند. بیشتر فیلمهایی که در آن موقع ساخته می شد همان قصه های تاریخی چک واسلواکی بود و يك سری هم، همین افسانه های علمی - تخیلی و «گونه» ها بود که ساخته می شد که به آن صورت رنگ سیاسی نداشت.

از جمله مشکلاتی که در آن زمان بود، این بود





که عده‌ای از کارگردانان فیلمهای بزرگسالان فکر کردند که نسبت به کارگردانها و سازندگان فیلمهای کودکان خیلی قویتر هستند و لذا تصمیم گرفتند که شروع کنند به ساختن فیلمهای کودکان. فیلمهایی هم که ساختند خیلی هنری بود و طبعاً بچه‌ها به هیچ وجه از این فیلمها خوششان نیامد، بزرگها هم که این فیلمها را نگاه می کردند خیلی به نظرشان بچگانه می آمد. این، مشکل بزرگی را در سینمای چک و اسلواکی ایجاد کرده بود.

س: آیا اصولاً برای فیلم کودکان و نوجوانان می توانیم تقسیم بندی هنری و غیر هنری داشته باشیم؟

ج: نه، فکر نمی کنم. باید حتماً فیلمها هنری باشد به خاطر اینکه فیلم غیر هنری اصلاً فیلم نیست، فیلم بدی است. فیلم باید هنر باشد. گونه‌های فیلم باید طوری باشد که هر نوعی از فیلم، خودش باشد. مثلاً اگر شما می آید فیلم قصه‌ای درست می کنید باید فیلم قصه‌ای درست کنید نه مثل آن چپ و راست... که مثلاً قصه‌ای در آن بود ولی فیلم، فیلم قصه‌ای نبود. اگر می خواهید فیلم علمی-تخیلی درست کنید، فیلم علمی-تخیلی درست کنید. مثل فیلم چپ و راست... نباشد که ظاهراً تاریخی است ولی قصه‌ای هم هست. مخلوط نباید باشد، باید گونه‌ها رعایت شود. هر گونه‌ای قوانین خودش را دارد و در چارچوبهای خودش باید قرار گیرد.

س: چه تفاوتی بین این جشنواره و جشنواره‌های دیگری که قبلاً رفته‌اید، وجود دارد؟ چه از نظر کمیت و چه از نظر کیفیت.

ج: ما هر بهار در چک و اسلواکی جشنواره

قطعاً این جشنواره ادامه خواهد یافت و با آشنایی بیشتری که در سطح جهانی ایجاد می کند، فیلمهای بهتری در آینده برای آن خواهند فرستاد. بنده معرف این جشنواره در کشور خود خواهم شد.

ملی فیلمهای کودکان و نوجوانان داریم که فیلمهای مختلف کارتون و... خیلی قوی آنجا هستند. ما در جشنواره‌مان همه جور فیلم، داریم، این يك ویژگی است و انتخاب فیلمهای مسابقه‌مان خیلی قوی است، همین طور ما فیلم را همان جور که ساخته شده، نشان می دهیم.

س: یعنی اگر در فیلمی نکات غیر اخلاقی هم باشد در جشنواره نمایش می دهید؟  
ج: طبیعتاً نه.

س: اگر منظور شما این است که در این جشنواره، فیلمهای خیلی قوی چندان حضوری ندارند، به نظر شما دلیلش چیست؟

ج: من فکر می کنم که به این دلیل است که این جشنواره تازه است. ما در مورد جشنواره فجر تهران اطلاع داشتیم و همه، حداقل در چک و اسلواکی می دانند که چنین جشنواره‌ای هست و فیلمهایشان را هم می فرستند، اما اگر می گفتی جشنواره فیلم اصفهان هیچ کس جدی نمی گرفت چون آن را نمی شناخت و لذا کسی هم فیلمش را نمی فرستاد. اما قطعاً این جشنواره ادامه خواهد یافت و با آشنایی بیشتری که در سطح جهانی ایجاد می کند، فیلمهای بهتری در آینده برای آن خواهند





فرستاد. بنده معرف این جشنواره در چك واسلواکی خواهم شد.

س: هیئت انتخاب جشنواره ملی کشورتان از چه آدمهایی تشکیل می شود؟

ج: ما از بین تهیه کنندگان، کارگردانان و منتقدان قوی سینمای چك واسلواکی، آنها را انتخاب می کنیم و قویترین آنها را بر می گزینیم، مثل آقای فروزش که شما برگزیدید. ایشان يك آدم قوی هستند و احساس بسیار خوبی نسبت به فیلمها دارند. ما از این تیپ اشخاص در سینمای خودمان برای کمیته انتخاب، استفاده می کنیم.

س: در بعضی از جشنواره ها مثل جشنواره جیفونی ایتالیا، بچه ها هستند که عضو هیئت داوران هستند. نظرتان در این زمینه چیست؟

ج: من در مورد جیفونی دقیقاً نمی دانم ولی در کشور ما یا در لهستان، ما دو تا هیئت داورى داریم، يك، داورانی که از بچه ها هستند و دیگری داوران بزرگسال. آنها جوایز خودشان را می دهند و ما هم جوایز خودمان را، این دو باهم دیگر مخلوط نیستند.

س: امروزه فیلمهای کامپیوتری انیمیشن که ساخته می شود بیشتر به اکشن و هیجانانگیز کاذب می پردازد. آیا اینها می توانند رقیبی برای فیلمهای انیمیشنی که به شیوه های دیگری که قبلاً ساخته می شد، باشد؟

ج: فکر نمی کنم بتواند. البته من فیلمهای کامپیوتری خیلی خوبی دیده ام ولی فکر می کنم باید این دو شیوه با هم تلفیق بشوند زیرا قدرتشان در این خواهد بود. البته کشور ما، الآن پول ندارد که برای کارهای فیلمسازی کامپیوتر بخرد ولی قطعاً پولی جور خواهیم کرد و کامپیوتر خواهیم







کارتون برای بچه‌ها تولید می‌کنیم که حدود ۸-۷ دقیقه است.

س: آیا فیلمساز است که دنیای کودکان را می‌سازد یا کودکان هستند که در واقع به کارگردان می‌گویند چگونه برایشان فیلم بسازد؟

ج: فیلم انعکاس و برداشتی است که کارگردان و بویژه نویسنده از بچه‌ها دارد و در مقابل کارگردان و سازنده فیلم آن را به بچه‌ها منعکس می‌کند. نوعی همکاری متقابل.

س: در اینجا این سؤال پیش می‌آید که دنیای کودکان و فیلمهایشان چه خصوصیتی دارد؟

ج: در مورد بچه‌ها باید دارای یک کاراکتر قوی باشد. نمی‌تواند همانند فیلمهای بزرگسالان باشد که مثلاً آدم خوبی است اما گاهی هم کاربرد انجام می‌دهد، نظیر فیلمهای روانی که حالات روانی دارد. البته در اینجا من از انیمیشن صحبت می‌کنم که با فیلمهای دیگر فرق دارد. در انیمیشن کاراکتر باید قوی باشد. در فیلمهای کودکان، خوب باید خوب باشد و بد هم بد باشد. نمی‌تواند مخلوط شود. مسئله دیگر در انیمیشن این است که در عرض ۲۰-۱۵ دقیقه کل داستان باید گفته شود، در حالی که در فیلمی که فیلمساز ۱/۵ ساعت وقت دارد که کل داستان را بگوید جای مانور و بازی وجود دارد. اما ما به دلیل این وقت محدود، آن امکان مانور را نداریم. لذا باید کارهایمان را به صورت فشرده انجام دهیم. واقعاً در مورد سؤالی که شما کردید من می‌توانم یک کتاب بنویسم.

خرید زیرا تصمیم قطعی داریم که در آینده از کامپیوتر برای ساختن انیمیشن استفاده کنیم. تخصص اصلی من، انیمیشن است.

س: با توجه به اینکه یک نوع انیمیشن برای بزرگسالان داریم و یک نوع هم برای بچه‌ها، تفاوت این دو را در چه می‌دانید؟

ج: آن عقیده و ایده‌ای که در ساخت فیلم مطرح است.

س: ویژگیهای انیمیشن کودکان چیست؟

ج: سؤال خیلی سختی است. فیلمهای کارتون برای بچه‌ها نباید حالت بی‌رحمانه داشته باشد، غیر قابل درک برای بچه نباشد، تمام آن چیزهای بدی که ما اغلب در فیلمهای انیمیشن داریم می‌بینیم، آنها نباید باشد. یکی از اشتباهاتی که دائماً کارگردانها انجام می‌دهند این است که در فیلمهای انیمیشن مسائلی را که برای بزرگسالان مطرح می‌کنند، همانها را هم برای بچه‌ها بیان می‌کنند. فیلمهای بچه‌ها حیطة گسترده‌ای دارد و کار خیلی گسترده‌ای در زمینه‌های مختلف می‌توان انجام داد.

س: درباره چگونگی تولید انیمیشن در چک و اسلواکی مقداری صحبت کنید.

ج: در چک و اسلواکی استودیوی ما بزرگترین استودیو در این زمینه است البته از ایران هم کسانی بوده‌اند که آمده‌اند و در چک و اسلواکی فیلمهای عروسکی را یاد گرفتند. همان طور که شما می‌دانید کار عروسکی، دونوع پاپت و ماپت دارد. یک استودیو کارهای پاپتی انجام می‌دهد (یعنی عروسکهایی که آنها را با میله فلزی تکان می‌دهند) و یکی دیگر هم کارتون می‌سازد. ما سالانه ۴۰ فیلم ۱۵-۲۰ دقیقه‌ای می‌سازیم و ۱۱۵ فیلم شب بخیر در زمینه





ج: نسبتی که میان تماشاگر و بازیگر هست يك تماس متقابل است و طبعاً اگر يك بچه بازیگر باشد، تماشاگر خردسال با آن بیشتر احساس هم هویتی می کند. اینکه بچه بنشیند و يك هنرپیشه بزرگسال را نگاه کند، مقداری برایش ثقیل است. این هنرپیشه بزرگسال نمی تواند جنبه آموزشی برای این بچه داشته باشد.

س: چارلی چاپلین نمونه ای است که بچه ها می توانند با آن ارتباط برقرار کنند. معمولاً در فیلمهایش بچه ها بازی نمی کنند. در اینجا چطور؟

ج: سؤال جالبی کردید. بچه به این خاطر می نشینند و فیلمهای چارلی چاپلین را می بینند که چاپلین در آن، يك شوی مفصل ارائه می دهد همچون يك برنامه کنسرت. به خاطر آن کارهایی که چاپلین انجام می دهد و شویی که اجرا می کند، بچه از او خوشش می آید. چاپلین در فیلمهایش چیزی را تلقین می کند که با افکار بچه ها همخوانی دارد یعنی بچه ای که این فیلم را نگاه می کند، این حرکات برایش جالب است و با آن مانوس هست البته گاهی هم وجود يك پسر بچه کوچولو مثلاً در فیلم پسر بچه، به این مسئله کمک کرده است.

س: کوششهایی که در جهت به تصویر کشیدن دنیای کودکان شده، در این جشنواره تا چه حد موفق بوده است؟ آیا دنیای کودکان در این فیلمها به تصویر کشیده شده بود؟

ج: در به تصویر کشیدن زندگی بچه ها، مدرسه بچه ها، و یا بچه ها در خانواده شان موفق بودند و به طور کلی محیط زیست و زندگی آنها را نشان داده اند، اما در زمینه علمی - تخیلی نمونه ای وجود نداشت. زیرا برای بچه ها، این

س: فیلمهای ایرانی کودکان را چگونه دیدید؟ نظرتان درباره آنها چیست؟

ج: فرصت خوبی بود که در جشنواره بین المللی فیلم کودکان اصفهان شرکت کنم و با سینمای ایران آشنا شوم. در اینجا فیلمهای متنوع و خوبی دیدم. فکر می کنم ایران دارای سینمای خوبی است. همین طور هنرپیشه های خوبی هم دارد. در اینجا فیلمهایی را دیدم که نشانگر يك سینمای قوی بود مانند فیلمهای سفر جادویی، نوروز و سکوت، بازیها و حرکات هنرپیشه ها در مقابل دوربین طبیعی بود. می توان گفت از جمیع جهات فیلمهای خوبی بودند. یکی از چیزهایی که در این فیلمها دیدم، حالت آرامشی بود که هنرپیشه ها در مقابل دوربین داشتند و جو آرامی که بر صحنه فیلمبرداری حاکم بود. برایم خیلی جالب بود که اینها دارای حالتی طبیعی بوده و کاملاً نرمال در مقابل دوربین ظاهر می شوند.

س: به طور کلی آیا لزومی دارد که حتماً در فیلمهای کودکان و نوجوانان، کودکان و نوجوانان بازی کنند؟ آیا می توان فیلمهایی ساخت که کودکان و نوجوانان بازیگر اصلی نباشند اما مخصوص آنها باشد؟





می کنند و یاد می گیرند که بعد می توانند منتقل و منعکس کنند.

س: در واقع می خواهید بگویید که همان جور که موسیقی را می توانند اجرا کنند، فیلم هم می توانند بسازند.

ج: به عقیده من همین طور است.

س: آمار تولیدات فیلمهای کودکان در لهستان سالانه چقدر است؟

ج: سالانه دوسه فیلم بلند کودکان تولید می شود، که در مقایسه با کشور چک و اسلواکی که در بهترین شرایط سالی ده فیلم بلند تولید می کند، خیلی کم است.



۱- شب سوم جشنواره در حضور مهمانان جشنواره توسط کودکان و نوجوانان اصفهانی کنسرت موسیقی ایرانی اجرا شد.

نوع فیلم خیلی جالب است و توجه به آن لازم می باشد. فیلمهای علمی-تخیلی فیلمهایی است که فضای علمی-تخیلی دارد و جهان خیالی را نشان می دهد و ذهن بچه را به دنیای تخیلات و نداشتها و ناشناختهها بازمی کند دنیایی که حالت مرموزی برایشان دارد. این نوع فیلمها خیلی مهم است. همان طور که بچهها می خواهند بدانند در مدرسه، خیابان و یا جاهای دیگر چه اتفاقی می افتد و چه حادثه ای رخ می دهد، مایل هستند بدانند که در جهان دیگر، جهان ناشناخته چه روی می دهد.

س: در مقایسه میان فیلمهای زنده (واقعی)، انیمیشن و عروسکی، به نظر شما کودکان با کدامیک می توانند بهتر ارتباط برقرار کنند؟  
ج: طبق نظر سنجی و پاسخهایی که بچهها داده اند، کودکان بیشتر به فیلمهای انیمیشن و نقاشی متحرک علاقه دارند.

س: آیا می شود بچههایی را که در سنین بالایی هستند یعنی نوجوانان را آموزش داد تا فیلمهای مخصوص خودشان را خود بسازند؟

ج: به نظر من، در زمان کنونی که در ارتباطات از ویدئو و رادیو و امثالهم استفاده می شود و با توجه به تجربه زیادی که در این رابطه دارم فکر می کنم بعد از دو سال این بچهها می توانند فیلمهای با کیفیت بهتری نسبت به ما درست کنند. بله، بعد از طی یک دوره دو ساله آموزشی امکانش هست. مثالی بیاورم، این موسیقی ملی ایران که در اینجا (اصفهان) اجرا شده بود که بچهها هم این کار را کردند، احساس می شد که از درون خودشان، با ایدههای خودشان، ساز را می زنند. همین بچهها چیزهایی را نگاه می کنند، مطالعه

